

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بازی‌های سازمان یافته‌ی ورزشی

دکتر محمد حسین زاده
(مدرس دانشگاه تهران)
هادی زنجی
بهروز قدمگامی

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست نویسی

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

شناسه افزوده

شناسه افزوده

شناسه افزوده

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی

حسین زاده، محمد، ۱۳۵۱ -

بازی های سازمان یافته ی ورزشی / محمد حسین زاده / هادی نخعی /

بهروز قدمگاهی؛ ویرایش و گردآوری تصاویر محمد زارع پور.

مشهد: انتشارات مرندیز، ۱۳۹۶.

۱۰۸ ص.: مصور (رنگی)، جدول.

۹۷۸-۶۰۰-۱۰۶-۵۹۰۰-۳

فیفا

بازی های کودکان -- راهنمای آموزشی

Children's games -- Study and teaching*

بازی های گروهی -- راهنمای آموزشی

Group games -- Study and teaching

سرگرمی های هوای آزاد برای کودکان

Outdoor recreation for children

ورزش برای کودکان

Sports for children

نخعی، هادی، ۱۳۷۴ -

قدمگاهی، بهروز، ۱۳۷۳ -

زارع پور، محمدرضا، ۱۳۷۳ -، ویراستار

۱۳۹۶ ب ۲ ح ۵ / GV۱۲۰۳

۷۹۰/۱۹۲۲

۴۹۴۹۲۹۱



نشر مرندیز

دفتر نشر: مشهد- خیابان آبکوه ۷- دانشسرای

تلفن: ۰۵۱-۳۷۲۷۴۷۶۵ دورنگار: ۰۵۱-۳۷۲۵۱۳۰۲

بازی های سازمان یافته ی ورزشی

مؤلف: دکتر محمد حسین زاده/ هادی نخعی / بهروز قدمگاهی

ویرایش و گردآوری تصاویر: محمد زارع پور

چاپ: خوشه

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰

بها: ۱۴,۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۰۶-۵۹۰۰-۳

تمام حقوق چاپ و نشر این اثر طبق قرار داد محفوظ است.

هرگونه چاپ و تکثیر از محتویات این کتاب بدون اجازه کتبی ممنوع است. متخلفان به

موجب قانون حمایت از حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان تحت پیگرد قانونی قرار

می گیرند.

www.marandiz.com

فهرست

۳۷.....	(۲۷) بسکتبال ثابت	۵.....	مقدمه
۳۸.....	(۲۸) توپ و حلقه	۱۱.....	(۱) عبور از تونل
۳۹.....	(۲۹) لباس تو بردار	۱۲.....	(۲) پاس بده به دوست
۴۰.....	(۳۰) گرگ و بره	۱۳.....	(۳) دماش را بگیر
۴۱.....	(۳۱) حرکات بنیادی امدادی	۱۴.....	(۴) امدادی با مخروط
۴۲.....	(۳۲) لمس کن و حذف کن	۱۵.....	(۵) گرگ و گوسفند و چوپان
۴۳.....	(۳۳) وسط بازی	۱۶.....	(۶) خرگوش بی لانه
۴۴.....	(۳۴) امدادی با حلقه	۱۷.....	(۷) از خرس زودتر برس
۴۵.....	(۳۵) توپ و حلقه	۱۸.....	(۸) توپ در سید
۴۶.....	(۳۶) توپ در سید	۱۹.....	(۹) پرش حرک
۴۷.....	(۳۷) بساز و خراب کن	۲۰.....	(۱۰) حمل خرچنگی
۴۸.....	(۳۸) ایست بازی یا مجسمه بازی	۲۱.....	(۱۱) سرت رو بندزد
۴۹.....	(۳۹) امدادی پرتاب توپ	۲۲.....	(۱۲) شاه گوش
۵۰.....	(۴۰) مانع بگیر، منو بگیر	۲۳.....	(۱۳) گرگ زیرک
۵۱.....	(۴۱) امدادی از بین پا	۲۴.....	(۱۴) گل با پوچ رقابتی
۵۲.....	(۴۲) توپ بگیر	۲۵.....	(۱۵) وسط بازی
۵۳.....	(۴۳) چپ را بگیر	۲۶.....	(۱۶) ماچ لوس با کمی تغییرات
۵۴.....	(۴۴) توپ را بگیر	۲۷.....	(۱۷) طناب و سطل
۵۵.....	(۴۵) شهر مجسمه	۲۸.....	(۱۸) توپ و مانع
۵۶.....	(۴۶) قلعه	۲۹.....	(۱۹) حمل توپ از تونل
۵۷.....	(۴۷) هدف گیری	۳۰.....	(۲۰) چشم بسته دوست را پیدا کن
۵۸.....	(۴۸) ورزش	۳۱.....	(۲۱) طناب بازی امدادی
۵۹.....	(۴۹) تالی	۳۲.....	(۲۲) کیدی یا زو
۶۰.....	(۵۰) توپ به پات نخوره	۳۳.....	(۲۳) والیبال کاغذی
۶۱.....	(۵۱) سریع بدو، بشین پاس بده	۳۴.....	(۲۴) جهش با حلقه
۶۲.....	(۵۲) پشت به پشت	۳۵.....	(۲۵) والیبال پتویی
۶۳.....	(۵۳) گاری	۳۶.....	(۲۶) منو راهنمایی کن
۶۴.....	(۵۴) گرگ و بره		
۶۵.....	(۵۵) گرگ و بره		
۶۶.....	(۵۶) تور ماهی گیری		

- ۵۷) تسخیر دار ۶۷
 ۵۸) استپ هوایی دایره ۶۸
 ۵۹) گرگم و گله می‌یر ۶۹
 ۶۰) خروس چته ۷۰
 ۶۱) موش و گربه ۷۱
 ۶۲) پا رو دُم مار ۷۲
 ۶۳) توپ گردان ۷۱
 ۶۴) یاور - یاسر ۷۴
 ۶۵) کانگورو ۷۵
 ۶۶) سنگ سنگ چله، پانه در زمین نه در هوا ۷۶
 ۶۷) توپ و حلقه ۷۷
 ۶۸) توپ روی دایره ۷۸
 ۶۹) دزد و پلیس ۷۹
 ۷۰) بساز، بساز، چی بسازم؟ ۸۰
 ۷۱) مسابقه امدادی در جا با توپ ۸۱
 ۷۲) چوب طلایی ۸۲
 ۷۳) شیطونک ۸۳
 ۷۴) چرخش توپ ۸۴
 ۷۵) بازی امدادی ۸۵
 ۷۶) حلقه و خط ۸۶
 ۷۷) پادکنک تو بچسب ۸۷
 ۷۸) شکارچی ۸۸
 ۷۹) دستمال پشتمی ۸۹
 ۸۰) دو امدادی با کیسه‌گونی ۹۰
 ۸۱) مسابقه‌ی پناستی ۹۱
 ۸۲) کانگورو امدادی ۹۲
 ۸۳) خرگوش بی‌لانه ۹۳
 ۸۴) استپ هوایی ۹۴
 ۸۵) ربودن طعمه ۹۵
 ۸۶) در جستجوی پناهگاه ۹۶
 ۸۷) استاد سه‌پایه ۹۷
 ۸۸) طناب‌بازی ۹۸
 ۸۹) فرار از زندان ۹۹
 ۹۰) "بلای" ۱۰۰
 ۹۱) پرتاب کتن و کین ۱۰۱
 ۹۲) لی‌لی دو ۱۰۲
 ۹۳) چوب طلایی ۱۰۳
 ۹۴) برترین حافظه ۱۰۴
 ۹۵) گاری کی سریع‌تره؟ ۱۰۵
 ۹۶) طناب رقابتی امدادی ۱۰۶
 ۹۷) دست منو بگیر ۱۰۷
 ۹۸) جنگ خروس ۱۰۸
 ۹۹) امدادی از زیر و روی مانع ۱۰۹
 ۱۰۰) بساز و بساز، چی بسازم؟ ۱۱۰
 ۱۰۱) رفیق تو را کی برد؟ ۱۱۱
 منابع و مآخذ ۱۱۲

مقدمه

مهم‌ترین مشغولیت کودک در زندگی بازی است. کودک در جریان بازی و در یک زمان پرورش فکری، عاطفی، جسمی و اجتماعی می‌یابد و آنچه را از طریق بازی بدست می‌آورد به طور مثبت کسب می‌کند زیرا اساس آن تجربه است این تجربه ای است که از صفت عضلات و حواس خود کودک، به دست آمده است. بازی یکی از مهمترین موضوعات تربیتی است که بسیار مورد توجه روان شناسان و علمای تعلیم و تربیت قرار گرفته است با آنکه از زمان (میشل متنی) فیلسوف و مربی بزرگ فرانسه در دوران رنسانس مورد توجه خاص قرار گرفته است ولی در هیچ عصری به اندازه زمان ما بازی مورد مورد مطالعه و تحقیق دقیق روان شناسان واقع نشده است. تحقیقات جدید نشان داده است که بازی تأثیر بسیاری در رشد بدنی و ذهنی کودکان دارد. بدن تنها وسیله ای است که کودک بوسیله آن می‌تواند جهان خارج را توسط حواس مختلف درک کند.

بازی وسیله طبیعی کودک برای بیان و اظهار «خود» است. (الفرد آدار) روان شناس معروف می‌گوید که «هرگز نباید به بازیها به عنوان روشی برای وقت کشی نگاه کرد». کاینست، چهارمی داد، که بازی کردن برای کودک مساوی است با صحبت کردن برای یک بزرگسال. بازی و اسباب بازی، کلمات کودکان هستند. اریکسون می‌گوید: «بازی عملکرد خود کوششی جهت هماهنگ کردن فرایندهای جسمی و اجتماعی حیوان است.»

بازی، روش طبیعی شرکت کودکان در فعالیتهایی است که سرانجام سبب کسب مهارت و زندگی برای مقابله با مشکلات زندگی می‌شود کودکان از طریق بازی احساسات، ناکامی‌ها و اضطرابهای خود را بیان می‌دارد. همه کودکان فارغ از رنگ پوست و مویا تعلق به نژاد و قوم خاص در هر کجای دنیا که باشند بازی می‌کنند فعالیت بازی در واقع تلاش کودک برای کنار آمدن با محیط است که از این طریق او خود را می‌یابد و دنیا را درک می‌کند.

پیاژه به این نکته اشاره می‌کند: «بازی اساسی یکی ساختن واقعیت با خود است اگر بتوانیم بازی کودک را درک کنیم مسلماً قادر خواهیم بود که افکار و عواطف آنها را بشناسیم. بازی وسیله خوبی برای درمانگر است برای درک بیشتر دنیای کودک» به خاطر اهمیت بازی در زندگی انسان ها به ویژه کودکان روانشناسان از دیرباز آن را مورد توجه قرار داده اند ولی به سبب ماهیت پیچیده ای که دارد هنوز کاملاً شناخته نشده است و در مورد تعریف آن بین روان شناسان اختلاف نظر وجود دارد لذا هر یک از آنان بازی را از جنبه های مختلف آن مورد توجه قرار داده و ملاکهای متفاوتی را برای تعریف بازی به کار برده اند.

درمورد اهمیت بازی به طور خلاصه می‌توان گفت که از راه بازی می‌توان ضوابط و مقرراتی به کودک آموخت و ناسازگاریهای او را می‌توان اصلاح کرد. نابسامانی‌های او را سرو سامان داده و به راه عقل‌واندیش و پذیرش انضباط انداخت.

همه محققان علوم تربیتی بر این عقیده هستند که تعریف قطعی و دقیقی برای بازی وجود ندارد. شاید یکی از دلایل آن این باشد که همیشه بازی با کار آمیخته است و آنچه را ما کار می‌دانیم احتمالاً با طرز تلقی دیگر بازی نامیده می‌شود و بر عکس دانشمندان مسال تربیتی ملاکهای متفاوتی را برای تعریف بازی ارائه کرده‌اند یکی از ملاکها این است که بازی را فعالیتی، بی هدف بدانید یعنی فعالیتی که هیچ نوع نفعی برای فرد ندارد و هدف آن در خود آن است به دنبال این نظر «کارل گروس» دانشمندی که در زمینه روانشناسی کودک در مورد بازی بررسی‌های جالبی دارد و برای اولین بار به جنبه کنش بازی در بین سایر فعالیتهای توجه کرده، معتقد است که بازی یک نوع کنش تمرینی مقدماتی و کمک کننده برای فعالیتهایی که فرد در آینده می‌خواهد انجام دهد.

«کارل بوملر» اصل لذت را به عنوان ملاک تعریف بازی قبول می‌کند. اصل لذت را در برابر اصل واقعیت قرار می‌دهد بدین معنی که کودک در ابتدای مسیر تحول خود از اصل لذت پیروی می‌کند و بعدها از اصل واقعیت تبعیت می‌کند بدون آنکه اصل لذت کاملاً از بین برود. پیازه روان‌شناس سوئیسی بازی را تحت عنوان یکی ساختن واقعیت با خود تعریف میکند و برای شناخت بازی آن را با کما قیاسه کرده و برای تمیز این دو نوع فعالیت انسانی ۵ ضابطه بر شمرده است:

۱- بازی فعالیتی است که هدفش در خود آن نهفته است در حالی که هدف کار در خارج آن قرار دارد.

۲- بازی فعالیتی است که نام آن موجب خشنودی و خوشحالی بازی کننده می‌گردد در حالی که کار ضرورتاً خوشایند نیست.

۳- بازی فعالیتی است که فرکانس بسیار کمی کند در حالی که کار خاصیتی اجباری و الزامی دارد.

۴- بازی از قید سازمان آزاد و رهاسازی یک کار معمولاً با سازماندهی همراه است.

۵- بازی از کشمکش و پرخاش دور است بلکه ماهیت کار گرایش آشکاری به سوی کشمکش و پرخاش است.

البته شاید در مورد بازیهای آموزشی و انفرادی کودکان، بتوان هیچ مانع ذکر شده پیازه را صادق دانست ولی در پاره ای از بازیها مانند بازیهای تقلیدی و نمایشی، نگرانیها و اضطرابهای کودکان به روشنی قابل مشاهده است. اگر ورزش را با پنج معیار بسنجیم به این حقیقت می‌رسیم که انواع و اقسام بازیهای خصوصیات و صفات مشترکی هستند. اکثر ورزشها نوعی سازمان را ایجاد می‌کنند و اطفال در ورزش مجبورند از قواعد و مقررات خاصی پیروی نمایند و نمی‌توان آن را جز بازی به معنی وسیع کلمه شامل انواع ورزشها، مشغولیتها، اسبپرتهای تفریحات است و به معنی دقیق شامل فعالیتهایی است که عاری از هدف خارجی بوده، اختیاری، دلپذیر و آزاد سازمان می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت «گرم به هوا، قایم موشک و عروسک بازی، ساختمان سازی و ... بازی به معنی واقعی است». وحید رواندوست استادیار سابق دانشگاه شهید بهشتی در تعریف بازی می‌گوید: «بازی عبارت از هر نوعی فعالیتی است که برای تفریح و خوشی و بدون توجه به نتیجه نهایی صورت می‌گیرد. انسان به طور دواطلبانه وارد این فعالیت می‌شود». و هیچ نیروی خارجی با اجباری در آن دخیل نیست.

با توجه به تعاریف و نظرات گوناگون در مورد بازی، تعریف بازی اینطور در ذهن من شکل گرفت که: «بازی به مجموعه فعالیتهای ذهنی و عملی گفته می‌شود که کودک برای ارتباط با دنیای خارج از روی میل و اختیار انجام می‌دهد».

نقش بازی در رشد شخصیت کودکان

رشد هوشی

یکی از فرضیه های روان شناسی این است که بازی رشد هوشی را تسریع می کند در تایید این فرضیه نتایج پژوهشها نشان می دهد کودکانی که فاقد هر گونه اسباب بازی می باشند و یا امکانات اندکی برای بازی دارند، از لحاظ شناختی از همسالان خود عقب تر هستند. علاوه بر این فرزندان خانواده های کم درآمد نسبت به کودکان طبقه متوسط کمتر در بازیهای که بهش کل «نقش بازی کردن» انجام می شود شرکت می کنند. بنابراین بعضی از روانشناسان معتقدند یکی از دلایلی که کودکان طبقه کم درآمد پس از ورود به مدرسه با مشکلات یادگیری روبرو می شوند این است که کمتر بازی می کنند بازیهای آنان چندان پیچیده نیست و نسبت به بازیهای کودکان طبقه متوسط از تنوع کمتری برخوردار است. اگر بپذیریم که بازی برای رشد هوشی اهمیت دارد در این صورت آشنا کردن کودکان با بازی یکی از عواملی است که رشد شناختی را تسهیل می کند.

فیلیپس لون اسپایم، که یکی از مبلغان مزایای بازی است برنامه هایی ترتیب داد تا کودکان خانواده های کم درآمد به اسباب بازی دسترسی پیدا کنند به مادران نیز آموخته شد که چطور با فرزندان نشان و اسباب بازی آنها بازی کنند در این برنامه اسباب بازی وسیله ای است برای تحریک کلامی و روابط محبت آمیز رشد شناختی را تسهیل می کند. شاید نتایج موفقیت آمیز این برنامه بیشتر ناشی از این جنبه باشد تا صرف وجود اسباب بازیها. به طور کلی کودکان پیش دبستانی بیشتر از راه حواس یا کمتر گوییم توسط ارگانایسم (خود) یاد می گیرند تا از تفکر منطقی، هر چند حواس مبنای فیزیولوژیک دارند اما با تجربه بهتر برای کودکان به شمار می رود. به علاوه بازی مهارتهای کودکان را در نگاه کردن، انطباق چشم و دست، شناسایی اشیا، درک فاصله ها- فهمیدن مفاهیم مربوط به خود، بویا و مزه ها و مانند آن را افزایش می دهد تمامی این فعالیتها می تواند ضمن بازی به گونه ای غیر مستقیم آموخته شوند.

عملکرد کودکان از طریق اعمال روانی- حرکتی، احساسی و تکامل ذهنی آنان امری حیاتی است کودک بکی گیرنده طبیعی جستجوگر و کاشف و یک پردازش کننده اطلاعات است. اما باید امکاناتی برایش فراهم شود تا بتواند به اعمال یادگیری پردازش با اشیا تعامل کند و حواس خود را ورزش دهد. میتواند بر اساس تواناییهای بالقوه و قابلیت خود برای سازمان دادن به تجاربش، دنیای خارج را در ذهن خود بازسازی کند. هر چه کودک یادگیرنده فعالتر باشد بیشتر یاد می گیرد و هر اندازه بیشتر یاد بگیرد هوش او بیشتر رشد می کند. هر اندازه که هوش او بیشتر رشد کند بیشتر یاد خواهد گرفت. بازی واسطه یادگیری است. کودک در هنگام بازی آزادانه آزمایش می کند و بر اساس نتایج آزمایش خود تجربه کسب می کند و از طریق بازی تجربیات خود را درونی می کند. برای مثال کنجکاوی درباره آهنربا در پنج سالگی نگرش علمی را برای سالهای بعد می پروراند و یا به خوبی مطالعه جهان، به زمین- سیاره های در حال حرکت و مشابه آن است.

کودکان از طریق بازی به ۳ نوع یادگیری اساسی دست می یابند

- ۱- یادگیری در باره خود به انضمام رشد خودپندار مثبت و احساس شایستگی
- ۲- یادگیری درباره دیگران و جهان پیرامون و توانایی توسعه آگاهی خود نسبت به دیگران
- ۳- یادگیری حل مسائل: کودک نیاز دارد اظهار نظر کند و کاوش نماید برای مثال هر کودکی نیاز دارد که از چگونگی کار آنها آگاهی می یابد و زمانی که به کمک نیاز دارد می تواند از دیگران کمک بگیرد بنابراین می توان نتیجه گرفت که دو عامل استعداد (فرصت و امکان یادگیری) و راهنمایی درست برای خوب یاد

گرفتن ضرورت دارد در بازی کودک فرصت پیدا می کند تا نیروهای بالقوه خود را به نیروهای بالفعل تبدیل کند و تحت راهنماییهای مناسب بر یادگیری خود بیفزاید.

بازیهای ذهنی مثل شطرنج بازی، حل جدولها و یا مسائل ساده حساب که باعث رشد هوش، استدلال و شخصیت اطفال می گردند. در بازیهای ذهنی کودک مجبور به فکر کردن، استدلال کردن و حل کردن مسائل هستند. به طور کلی می توان گفت که نخستین پیروزی بزرگ انسان در یادگیری، کسب مهارت در به کار بردن حواس می باشد و کودک در بازی از طریق لمس کردن، دست مالیدن، بکار انداختن حواس بخصوص بساوانی، چشایی و بویایی حواسش را رشد و توسعه می دهد.

کودک از طریق بازی در واقع می تواند خود را بشناسد که نقاط ضعف و قوت او چیست؟ آیا فرمانده است یا فرمانبر؟ تابع است یا متبوع؟ آرام است یا شلوغ؟ حالت تهاجم دارد یا تسلیم؟ همچنین بسیاری از صفات و خصوصیات کودک مثل شجاعت یا ترس یا مهر و خشم و ابتکار از طریق بازی است که کشف می شود.

رشد اجتماع

بازی در رشد اجتماعی کودکان تاثیر چشمگیری دارد. کودکان اغلب برای اولین بار از راه بازی گروهی به ارزش کودکان دیگر که بدون آنان بازی مقدور نیست پی می برند آنان یاد می گیرند که چگونه از طریق بازی یکدیگر را قبول داشته باشند. در راه همین توافق کنند و گروهی به بازی بپردازند. مفهوم همکاری، پیروزی بر گروه رقیب، شکست، همچشمی و برتری بی اغلب در بازیهای جمعی و گروهی به رشد لازم می رسد. از طرف دیگر کودک در ضمن بازی با رفتار بزرگسالان و نشانی که خود او در آینده باید ایفا کند آشنا می شود و قدرت جسمانی-کلامی، ذهنی و استعداد خود در برقراری ارتباط با دیگران را گسترش می دهد.

از بعد رشد اجتماعی، تعامل در بازی با دیگر کودکان، کودک را قادر می سازد تا تصور خود را از خود و دیگران به صورت عام رشد دهد. کودکی که بازی با دیگران را به طور مرتب تغییر می دهد و مجبور می شود چشم انداز خود را نیز تغییر دهد. در بازیهای گروهی که در این مقررات و قواعد است بازیکن باید نقش دیگر بازیکنان را بداند- همانطور که نقش خود را می داند- محاسن باید توانایی بر عهده گرفتن نقش دیگران را در خود رشد و توسعه دهد. کودک شروع به ارزیابی تواناییها، خود را مقابل دیگران می کند و هویت یا تصور از خود را بهبود می بخشد. بچه هایی که بازی می کنند بیش از هویت خود یاد می گیرند. آنها از طریق بازی کردن نقشهای مختلف بزرگسالان، مقررات اجتماعی و معیارهایی را که رفتار را تنظیم می کند می آموزند. در بازیهایی که دارای مقررات و قواعدی هستند، بازیگر باید یاد بگیرد که به قواعد بازی و نیتی زمانی که انگیزه های آنی او را به سوی یکی رفتار کاملاً متفاوت سوق می دهد تسلیم شود.

کودک در بازی یاد می گیرد که چگونه در بین جمع زندگی کند. چه ضوابطی را برای زندگی در نظر داشته باشد در درگیریها، در معرکه زندگی چه موضعی و چه راه و روشی را در پیش گیرد. بازیها افراد را به مقررات و ضوابط زندگی آشنا می کنند، روح سازگاری را در افراد پدید می آورند فنون زندگی جمعی را عملاً به طفل یاد می دهند. کودک در سایه بازی در می یابد که همیشه نمی تواند از طریق اعمال خشم به پیش برود. در همه جا نمی تواند عصبانی شود و نظرات خود را اعمال نماید همه گاه نمی تواند دیگران را وادار به تسلیم خواسته های خود کند بلکه در مواردی که لازم است تسلیم خواسته های دیگران باشد بخصوص که آن خواسته ها بحق باشند. بازی به کودکان می آموزد که زندگی یک داد و ستد است درازای دریافت خدمتی باید خدمتی برای دیگران انجام داد. اگر چیزی از کسی می گیریم

باید چیزی هم متقابلاً به او بدهیم و گرنه اجتماع و جود ما را تحمل نخواهد کرد و بالاخره بازی افراد را وامیدارد که تن به پذیرش و صلح دهند و دریابند که همه گاه نمی تواند از راه جبر و فشار سلطه خود را بر دیگران اعمال کرد.

رشد اخلاقی

بازی یکی از مهمترین عواملی است که در تربیت اخلاقی کودک نقش مهمی ایفا می کند. کودک هنگام بازی در میابد که اگر بخواهد فرد قابل قبول به حساب آید باید درستکار، راستگو، عادل و ... باشد. کودک هنگام بازی پی می برد که خوب یا بد بودن یک عمل چگونه است و دیگران چگونه با او برخورد می کنند. برای مثال در بازی دزد و پلیس کودک متوجه می شود کسی که دزد است عمل بدی انجام داده که منجر به تعقیب او به وسیله پلیس شده است و در نهایت با دستگیر شدن و پذیرش تنبیه به زشتی و غیر اخلاقی بودن دزدی صحنه گذاشته و بر عدالت اجتماعی احترام می گذارد و در عین حال صفات و خصایلی که کودک در تعاملات روزمره با همسالان و بزرگسالان کسب می کند در بازی تکامل می یابد. از طریق بازی می توان نقایص فردی، اخلاقی و شخصیتی او را اصلاح کرد و فکر و اندیشه او را رشد داد. کودکی که ترسو و بزدل است از طریق بازی می تواند شجاع و با شهامت باز آید. مثلاً بازی قایم موشک آن هم در شب خود می تواند ترس او را تاریکی تعدیل کند و یا از بین برد. زیرا طفل ناگزیر است به گوشه ای بخزد، در تاریکی قرار و آرام گیرد. در ضمن بازی می توان کودک بدخو را از این حالت بدخواهی بدر آورد. حس برادری، تعاون، نوع دوستی و برابری تعاون، نوع دوستی را به او یاد داد. عقده ای را از او حل کند و ناراحتی ها را از او دور ساخت.

رشد حسی

فعالیت های اطفال در بازی باعث تقویت عضلات و قله آنها می گردد. اطفال به بازی مبادرت می ورزند زیرا که آنها از لحاظ بدنی سالمند. به عبارتی دیگر رشد جسمانی کودک در بازی نشانه سلامت آنهاست و به حدی این موضوع طبیعی است که چنانچه کودکی بازی نکند ما به این فکر می افتیم که باید اتفاق ناگوار رخ داده باشد. اگر کودکان را از بازی کردن محروم سازیم به احتمال قوی از آنها خونریزی در ساختن و بالطبع رشد آنها را مختل نموده ایم. رشد ذهنی تا اندازه ای به رشد جسمی بستگی دارد به طور خلاصه در ۳ سالگی کاملترین پرور برای بدن، ذهن، شخصیت و منش آدمی فراهم می آید.

امروزه سبک زندگی بشر نسبت به گذشته در زمینه های مختلف تغییرات زیادی کرده است. از جمله کودکان امروز تجارب حرکتی کمی دارند و روز بروز مشکلات و عوارض فقر حرکتی کودکان زیادتر می شود. یکی از مسؤولیت های مهم آموزش و پرورش در این سالها ارتقا سطح آموزش تربیت بدنی بخصوص در دوره ابتدایی است. سالهای اول دبستان فرصت خوبی برای افزایش سطح توانایی های حرکتی و ارتقا سطح سلامت و آموزش حرکات پایه به دانش آموزان است. معلم تربیت بدنی دوره ابتدایی بدلیل علاقه غریزی کودکان به بازی به خوبی می تواند از این فرصت استفاده نماید و از طریق فعالیت های هدفمند در قالب بازی به این هدف مهم دست یابد.

مجموعه حاضر چکیده ای از تلاش گروهی دانشجویان پردیس شهید بهشتی دانشگاه فرهنگیان مشهد میباشد که در قالب دو واحد درسی بصورت عملی اجرا شد و پس از بررسی و ویرایش تعداد ۱۰۱ بازی نهایی شد که می تواند تا حد زیادی به معلمین مقطع ابتدایی در رسیدن به اهداف تربیت بدنی کمک نماید.